



## رابطه توانایی مدیریت با اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه

فرزین رضایی<sup>۱</sup>

اکرم فیروزعلیزاده<sup>۲</sup>

الهام نورمحمدی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۴

### چکیده

توانایی‌های مدیریت می‌تواند دستیابی به اهداف کلی شرکت را تسریع نماید. مدیران شرکت‌ها همواره به دنبال اتخاذ تصمیماتی هستند که بالاترین میزان بازده را برای ذینفعان خود کسب نمایند. با افزایش ریسک میزان بازده مورد انتظار نیز در بازار کارا نیز افزایش می‌یابد. مدیران توانمند می‌توانند ریسک‌های موجود را شناسایی و آن‌ها را به فرصت‌های برای سازمان تبدیل نمایند. لذا هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین توانایی مدیریت با اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه و اجزای آن است. برای این منظور، با توجه به اطلاعات ۷۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اقدام به برآورد الگو شد. نتایج آزمون فرضیات پژوهش نشان داد که تأثیر توانایی مدیریت بر مدیریت ریسک یکپارچه مثبت و معنادار بوده است. ولی تأثیر توانایی مدیریت بر اجزاء مدیریت ریسک، ریسک استراتژی، قوانین و مقررات، عملیاتی و گزارشگری به تنهایی تأثیرگذار نبوده و تنها بر مدیریت ریسک عملیاتی تأثیر مثبت و معنادار داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** توانایی مدیریت، مدیریت ریسک یکپارچه، تحلیل پوششی داده‌ها.

۱- گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. نویسنده مسئول. Farzin.rezaei@qiau.ac.ir

۲- مربی، مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند، دماوند، ایران.

۳- گروه حسابداری مدیریت، مؤسسه آموزش عالی تاکستان، تاکستان، ایران.

## ۱- مقدمه

تأثیر مدیریت بر عملکرد شرکت، یکی از سؤالات مهم در تحقیقات اقتصادی، حسابداری، مالی و مدیریتی به حساب می‌آید. در مورد تأثیر مدیران ارشد بر عملکرد بنگاه‌ها، دو دیدگاه متضاد وجود دارد. هانان و فریمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۷-۹۳۴)، بر این باورند که تأثیر مدیران ارشد قابل توجه نیست، چرا که بنگاه‌های بزرگ اغلب تحت تأثیر نیروهای برون سازمانی قرار می‌گیرند. مثلاً فرهنگ سازمانی، ساختار صنعت و دارایی‌های ثابت مشهود، جزء عوامل احتمالی هستند که توانایی مدیران در اتخاذ تصمیمات تأثیرگذار را کاهش می‌دهند (واسرمن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰-۴۸). در مقابل، دیدگاه دیگری توسط هامبریک و مایسون<sup>۳</sup> (۱۹۷-۱۹۴۸)، ارائه شده که به دیدگاه مدیریت عالی مشهور است. بر طبق این دیدگاه، عملکرد سازمانی، شامل انتخاب‌های راهبردی و سطوح عملکردی، از طریق ویژگی‌های مدیریتی قابل پیش‌بینی هستند. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که اهداف و سیاست‌های کلی سازمان توسط مدیران ارشد تعیین می‌شود. در واقع این مدیران هستند که در مورد اقدامات سازمان در مواجهه با تغییرات سریع محیطی و فناوری تصمیم‌گیری می‌کنند (مکی<sup>۴</sup>-۲۰۰۸-۱۳۶۱).

هر سازمانی با ریسک‌های مختلفی در منابع داخلی و خارجی روبرو است. ریسک، فرایندی است که به احتمال وقوع یک رویداد اشاره دارد که در دستیابی به اهداف سازمان تأثیر بسزایی خواهد داشت. (رحیمیان و زمانی فرد-۱۳۹۳-۱۰).

تقریباً تمامی مدیران به دنبال ابزارهایی تا هستند خطرات پیامدهای ناشی از تصمیمات را به حداقل ممکن کاهش دهند. مدیریت ریسک، ابزار جدیدی است که در زمان کوتاه توانسته است جایگاه مناسبی برای خود پیدا کند (سعادت جوی اوردکلو و رحیمی-۱۳۹۳-۶۰).

مدیریت ریسک، فرآیند ارزیابی ریسک و طراحی استراتژی‌هایی برای شناخت ریسک است. محققان اعتقاد دارند که مدیریت ریسک یکپارچه رویکرد وسیع‌تری را برای مدیریت ریسک در مقایسه با جنبه سنتی آن ایجاد می‌کند. با پذیرش رویکرد سیستماتیک و مطابق با مدیریت همه ریسک‌های پیش رو یک سازمان، مدیریت ریسک یکپارچه برای کاهش ریسک کلی ورشکستگی شرکت و همچنین برای افزایش عملکرد و درنهایت افزایش ارزش سازمان ضروری است (تاری وردی و دامچی جلودار-۱۳۹۱-۴۵).

مدیریت ریسک، فرآیندی است که توسط اعضای هیئت‌مدیره، مدیران و سایر کارکنان محقق می‌شود. در تنظیم راهبردهای واحد تجاری، به منظور شناسایی رویدادهای احتمالی طراحی شده و ریسک ناشی از رویدادهای پیشروی را مدیریت می‌نمایند. تا اطمینانی معقول در مورد دستیابی به اهداف واحد تجاری حاصل شود (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۷-۳). مدیریت ریسک یکپارچه با

استفاده از ۴ هدف راهبردی، شامل ریسک استراتژی، ریسک گزارشگری مالی، ریسک قوانین و مقررات به دنبال کاهش خطرات پیرامونی شرکت می‌باشد.

در پژوهش‌های پیشین، توانایی مدیریت با سیاست‌های تقسیم سود، تجدید ارائه صورت‌های مالی با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه، حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرس پیرامون تداوم فعالیت مورد بررسی قرار گرفت.

مدیریت واحد تجاری از طریق تأثیرگذاری بر سیاست‌های کلی و تصمیم‌گیری‌های کلان، بر عملکرد شرکت تأثیر خواهد گذاشت و در صورت عملکرد ضعیف مدیران، عملکرد کلی شرکت نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفته و ممکن است تداوم فعالیت آن با ابهام مواجه شود (فرج‌زاده دهکردی و حیدری-۱۳۹۶-۲۲۶).

عملکرد شرکت برای سهامداران، سرمایه‌گذاران، مدیران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان شرکت در ارزیابی آن‌ها از آینده شرکت و تأثیر آن در برآورد ریسک و بازدهی سرمایه‌گذاری و قیمت سهام اهمیت به‌سزایی دارد (ماژین و همکاران-۱۵۳-۱۳۹۶).

در بررسی عوامل موفقیت افراد در سازمان‌ها، همواره از هوش یا ضریب هوشی به عنوان عامل کلیدی یاد می‌شود که در فرآیند پیشرفت شغلی افراد از بالاترین اثر برخوردار است (مرادی و افشارایمانی-۱۳۹۶-۴۳).

توانایی مدیریت شامل بعد ذاتی و بعد اکتسابی است که بعد ذاتی (استعداد و سرمایه اولیه)، تنها زیرساخت‌هایی را برای مدیران به وجود می‌آورد؛ اما آنچه اهمیت دارد، بعد اکتسابی است که مدیر از محیط پیرامون خود از طریق تحصیلات، تجربیات گذشته و سوابق کاری خود بدست می‌آورد، بعد اکتسابی توانایی‌های مدیریت از اهمیت بیشتری نسبت به بعد ذاتی برخوردار می‌باشد (رضایی و نورمحمدی، ۱۳۹۵-۶۵).

توانایی‌های اکتسابی شامل هوش شناختی<sup>۵</sup>، هوش اجتماعی یا مدیریتی<sup>۶</sup>، هوش هیجانی<sup>۷</sup> و هوش فرهنگی<sup>۸</sup> است. در رویکرد جدید مدیریت، فرهنگ سازمانی و کار تیمی و نحوه کاری مدیر با دیگران اهمیت خاصی دارد تا بدین وسیله عملکرد موفق و مفیدی را داشته باشند. هوش مدیریتی مجموعه‌ای از هوش سیاسی، عاطفی و عقلایی است (درگاهی و همکاران-۱۳۹۴-۱۳). هوش سازمانی را می‌توان به عنوان یکی از انواع هوش شناختی در نظر گرفت که با هوش هیجانی یا مدیریتی مرتبط است از این رو، به لحاظ تئوریک، احتمالاً هوش سازمانی می‌تواند از طریق چندین سازوکار مکمل به بهبود عملکرد کمک نماید (شمس مورگانی و همکاران ۱۳۹۷-۱۳۹۳). هوش سازمانی، به معنای کسب دانش و اطلاعات جامع از همه عواملی است که بر سازمان تأثیر می‌گذارد. منظور از همه عوامل یعنی، اطلاعاتی که از مشتریان، ارباب‌رجوع، رقبا، محیط اقتصادی، محیط

فرهنگی و فرآیندهای سازمانی شامل: مالی، اداری، حفاظتی، تولیدی، منابع انسانی، بودجه و ... که تأثیر زیادی بر کیفیت تصمیمات مدیریتی در سازمان می‌گذارد، هوش سازمانی می‌باشد. هوش سازمانی، شما را برای تصمیم‌گیری در همه عوامل مؤثر بر سازمان و شرکت‌ها توانمند می‌سازد (استفایایی-۱۳۹۳-۳۳).

مهمترین تصمیمات مدیریت تصمیم‌گیری در عرصه مالی است. هوش سازمانی، امکان بکارگیری منابع انسانی، منابع نامشهود، منابع فیزیکی را با بهترین کاربرد در سازمان فراهم می‌آورد و از طریق توانایی مدیریت موجب ارتقاء سرمایه اجتماعی و ارتباطی در سازمان می‌گردد. کیفیت و کمیت روابط افراد با یکدیگر در شبکه‌های ارتباطی از جنبه‌های مهم سرمایه اجتماعی است که سبب تبادل و انتقال اطلاعات و دانش می‌شود. شبکه‌هایی که در آن‌ها ارتباطات و تعاملات میان اعضا شدت بیشتری دارد، تعامل اعضا با یکدیگر و انتقال دانش و برقراری روابط مؤثر کاری بیشتر است (بورکس و نافیکو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶-۱۲۱) توانایی مدیریتی می‌تواند خطرات شرکت را با اینگونه تعاملات کنترل نموده و حتی در جهت دستیابی به اهداف شرکت هدایت نماید.

پژوهش‌های پیشین به بررسی توانایی مدیریت در ابعاد درونی و بیرونی، راهبری شرکتی به‌عنوان یکی از ابزارهای ساختاری مدیریتی پرداخته‌اند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه توانایی مدیریت با اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه در شرکت‌ها می‌باشد. آیا توانایی مدیریت و ارتقاء آن می‌تواند تأثیری مثبتی در اجزاء مدیریت ریسک شرکت‌ها داشته، در شناسایی و کاهش خطرات ناشی از ریسک یکپارچه و اجزاء مورد بررسی آن شامل ریسک استراتژی، ریسک قوانین و مقررات، گزارشگری و عملیاتی شرکت‌ها مؤثر واقع گردد. در این راستا میزان تأثیر از ارتقاء در توانایی‌های مدیریت در شرکت‌ها تا چه حد می‌تواند، باشد.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

همان‌طور که پیشتر بیان شد، هوش سازمانی به معنای کسب دانش و اطلاعات جامع از همه عواملی است که بر سازمان تأثیرگذار بوده و راهبری شرکتی نیز به معنای هدایت سازمان در جهت اهداف بلندمدت از پیش تعیین شده برای سازمان می‌باشد. ابعاد راهبری شرکتی، شامل بعد مالکیت، بعد مدیریت، بعد نظارت و بعد محیط می‌باشد. بعد مدیریتی به‌عنوان یکی از مهمترین ابعاد راهبری شرکتی از بعد ساختاری و بعد محتوی تشکیل شده است. بعد ساختاری شامل تعداد اعضای هیئت‌مدیره، استقلال آنها، نقش دوگانه مدیرعامل و مالکیت مدیریتی است؛ اما بعد محتوی، ویژگی فردی مدیریت است که از سازمان گرفته می‌شود. این بعد شامل هوش مدیریتی یا همان هوش سازمانی است و اکتسابی است، شامل ۱- برابری رشته تحصیلی مدیریت و کسب‌وکار مربوطه

۲- تجربه، سابقه ۳- توانایی مدیریت می‌باشد. از این رو راهبری شرکتی به‌عنوان یکی از مباحث حسابداری شامل هوش اکتسابی مدیریتی نیز هست.

۱- توانایی مدیریت و اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه در شرکت‌ها مبتنی بر نظریه فعال: طبق فرضیه‌ی نظارت فعال به دلیل اینکه حجم ثروت سرمایه‌گذاری شده، بسیار بالا می‌باشد. این بخش از مالکین شرکت به واسطه قابلیت بسیار زیاد در انجام حرفه‌ای تجزیه و تحلیل‌های مالی از سایر مالکین متمایز هستند (ملکیان و نیکردان فرد، ۱۳۹۴-۱۵۰). مدیران با مالکین شرکت تضاد منافع ندارند و منافع خود را در عملکرد کارا و کارآمد می‌دانند و استمرار فعالیت مدیریت در شرکت افزایش می‌یابد و از این طریق منافع مدیریت تأمین می‌شود. در این هنگام نفوذ مدیریت در انجام فعالیت‌های بیشتر شده در نتیجه با افزایش کارایی مدیریت، توانایی مدیریت افزایش می‌یابد و مدیریت می‌تواند سطح بیشتری از خطرات و ریسک‌های پیرامون شرکت را مدیریت نموده و به فرصت‌هایی برای شرکت تبدیل نماید.

۲- توانایی مدیریت و اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه در شرکت‌ها مبتنی بر نظریه نمایندگی: بر اساس نظریه جنسن و مک‌لینگ<sup>۱۱</sup>، ۱۹۶۷. پایه و اساس مطالعات حاکمیت شرکتی تئوری نمایندگی است. در شرکت‌های سهامی عام، سهامداران اختیار تصمیم‌گیری را به مدیران (نمایندگان خود) تفویض می‌نمایند (مرادی و امیدفر، ۱۳۹۵-۶۵). بین اهداف مدیر و مالکان تضاد منافع وجود دارد و مدیریت با پیچیده‌تر نشان دادن عملیات شرکت، مالکیت را به این حجت می‌رساند که با تغییر مدیریت احتمال خطر ورشکستگی و عدم توانایی در شناسایی ریسک‌های پیرامونی شرکت توسط مالکین وجود دارد و مالکین اثر معکوسی بر کنترل و مدیریت ریسک‌های موجود دارند و هرگونه تغییر در مدیریت منجر به بروز خطرات بیشتری پیش رو شرکت می‌شود.

اولین مؤلفه در مدیریت ریسک یکپارچه، ریسک استراتژی در شرکت‌هاست. این ریسک به دنبال افزایش عملکرد و ارزش سازمان در دو بعد درون سازمانی مانند استراتژی فروش و برون سازمانی مانند عوامل اقتصادی و صنعت می‌باشد، هوش سازمانی مدیریت می‌تواند با ارزیابی و شناخت به موقع رویدادهای منفی (رویدادهای در خلاف اهداف استراتژی سازمان) و کسب اطلاعات و دانش کافی تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. تنوع در تولید محصولات و تقسیم سود و ترکیب تأمین مالی از عوامل مؤثر در ریسک استراتژی می‌باشد. گزارشگری مالی به عنوان دومین مؤلفه در مدیریت ریسک یکپارچه برای ارائه گزارشات درست و دقیق در جهت حفظ و بقای سازمان ضروری است و تصمیم‌گیری‌های مالی و سایر تصمیمات در شرکت با تکیه بر گزارشات مالی ارائه شده، صورت می‌گیرد. مدیریت توانمند می‌تواند، سیستم کنترل‌های داخلی مؤثری را برای کاهش خطرات ناشی از ارائه گزارشات نادرست و نامربوط برقرار سازد و در نتیجه احتمال

خطر حساسرسی را کاهش دهد. سومین مؤلفه ریسک قوانین و مقررات مالیاتی می‌باشد. قوانین مقررات مالی شامل مجموعه قوانین مجلس و مقررات هیئت دولت می‌باشد و عدم توانایی مدیریت و انتخاب رویه‌های نادرست در مجموعه قوانین تجارت، قانون کار، مالیات‌ها و تأمین اجتماعی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را بر شرکت تحمیل نماید. چهارمین مؤلفه، ریسک عملیاتی است و هدف از اجرای این ریسک افزایش کارایی کارکنان می‌باشد. توانمندی مدیریت در ارزیابی عملکرد کارکنان، شناخت و همچنین انتخاب رویه‌های مناسب در راستای افزایش کارایی و کاهش ناتوانی‌های کارکنان باعث کاهش خطرات ناشی از ریسک عملیاتی در شرکت می‌شود. توانایی مدیریت می‌تواند از عوامل مؤثر در نحوه ارزیابی، شناسایی و پیشگیری ریسک‌های درونی و بیرونی در واحد تجاری باشد (رضایی و فیروزعلیزاده، ۱۳۹۵-۱۲۳).

### ۳- پیشینه پژوهش

چن و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۵) در مطالعه خود با عنوان «آیا توانایی مدیریت به موفقیت نوآورانه شرکت کمک می‌کند؟» به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیران یکی از اجزای اصلی موفقیت در تصمیم‌گیری‌های نوآورانه بوده و دارای ارتباط مثبتی با ارزش بازار شرکت‌هاست.

کازارو و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۸). به بررسی رابطه عدم اطمینان محیطی و عملکرد بین‌المللی شرکت‌ها بر پایه دیدگاه عدم اطمینان توانایی مدیریت پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین‌المللی شدن شرکت‌ها تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها در حال ظهور دارد و عدم اطمینان توانایی مدیریت به شرکت‌های در حال توسعه در بازار کمک می‌کند که فعالیت‌های خارج از منطقه اصلی خود را افزایش دهند.

جاسمودیان و نقشبندی<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۸). به بررسی رابطه نقش دانش و نوآوری باز با توانایی مدیریتی در شرکت‌های چند ملیتی مستقر در فرانسه پرداختند. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد، دانش و نوآوری باز در تقابل با توانایی مدیریت نقش حیاتی دارد و سطح بالاتر از مدیریت دانش محور می‌تواند منجر به بهبود توانایی مدیریت در شرکت‌ها گردد.

مارتینسور و هاورفالت<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۸). به بررسی توانایی مدیریت در ارزش‌گرایی و تغییر یکپارچه در شرکت پرداختند. نتایج نشان داد، نیاز به ارتقاء مدیریت برنامه‌ها به سمت افزایش ارتقاء سازمانی از طریق ارزش‌گرایی، یکپارچه در سازمان وجود دارد.

جیانی و هوو<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۸). به بررسی رابطه بین قابلیت نوآوری و عملکرد شرکت در شرکت‌های بیمه پرداختند. نتایج نشان داد، رهبری تأثیرگذار مدیریت و نوآوری در توانایی مدیریت بیشترین تأثیر را بر نتایج کارایی شرکت، در نتیجه دستاوردهای بهتری برای مدیریت خواهد داشت.

ژانگ و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۸). به بررسی تأثیر ریسک برون‌سپاری پروژه‌های شرکت، بر توانایی علمی مدیریت پرداختند. شواهد تجربی نشان داد که سیستم اجتماعی، سیستم فنی مدیریت، بر رضایت پروژه تأثیر می‌گذارد. با این حال، سطوح فرهنگی، تکنولوژی و ساختارهای توانایی علمی مدیریت، میزان حداقلی خطرات منفی موجود در سیستم اجتماعی، سیستم فنی و مدیریت پروژه را کاهش می‌دهد. همچنین بر انواع ریسک‌ها و قابلیت‌های علمی مدیریتی در دستیابی به مدیریت ریسک مؤثر می‌باشد.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت سود پرداختند. آن‌ها از چهار عامل تجدید ارائه صورت‌های مالی، ثبات سود، پیش‌بینی مطالبات مشکوک الوصول و کیفیت اقلام تعهدی استفاده نمودند. از متغیرهای حسابداری به عنوان معیار اندازه‌گیری توانایی مدیریت استفاده کردند. آن‌ها در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت با هر کدام از چهار معیار ارتباط مستقیمی دارند.

فرج‌زاده‌دهکردی و حیدری (۱۳۹۶). به بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد. با افزایش میزان توانایی مدیران، حق‌الزحمه حسابرسی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی واحد تجاری کاهش می‌یابد؛ و توانایی مدیریت عاملی تأثیرگذار بر تصمیمات حسابرسان است.

مشایخی و عظیمی (۱۳۹۵). به بررسی تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت پرداختند نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت رابطه منفی وجود دارد و توانایی مدیریت این رابطه منفی را کاهش نمی‌دهد.

فروغی و همکاران (۱۳۹۵). به بررسی توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه‌گذاری و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد. مدیران توانا تمایل به سرمایه‌گذاری بیش از حد دارند و همچنین کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش تأثیر مثبت توانایی مدیریتی بر سرمایه‌گذاری بیش از می‌شود.

#### ۴- فرضیه‌های پژوهش

۴-۱- فرضیه اول: بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک یکپارچه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴-۲- فرضیه دوم: بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک استراتژیک رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۳-۴- فرضیه سوم: بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک عملیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴-۴- فرضیه چهارم: بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک گزارشگری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۵-۴- فرضیه پنجم: بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک رعایت قوانین و مقررات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

#### ۵- مدل پژوهش و اندازه‌گیری متغیرهای آن

۱-۱- آزمون فرضیه اول: الگو تحقیق برای آزمون فرضیه اول در رابطه ۱ به صورت زیر می‌باشد:

$$ERiskit = \alpha_0 + \beta_1 MgrAbilityit + \beta_2 CFOit + \beta_3 LEVit + \beta_4 MktSizeit + \beta_5 ROAit + \beta_6 Sizeit + \epsilon it \quad (1)$$

۲-۲- آزمون فرضیه دوم: الگو تحقیق برای آزمون فرضیه دوم در رابطه ۲ به صورت زیر می‌باشد:

$$SRit = \alpha_0 + \beta_1 MgrAbilityit + \beta_2 CFOit + \beta_3 LEVit + \beta_4 MktSizeit + \beta_5 ROAit + \beta_6 Sizeit + \epsilon it \quad (2)$$

۳-۳- آزمون فرضیه سوم: الگو تحقیق برای آزمون فرضیه سوم در رابطه ۳ به صورت زیر می‌باشد:

$$ORit = \alpha_0 + \beta_1 MgrAbilityit + \beta_2 CFOit + \beta_3 LEVit + \beta_4 MktSizeit + \beta_5 ROAit + \beta_6 Sizeit + \epsilon it \quad (3)$$

۴-۴- آزمون فرضیه چهارم: الگو تحقیق برای آزمون فرضیه چهارم در رابطه ۴ به صورت زیر می‌باشد:

$$RRit = \alpha_0 + \beta_1 MgrAbilityit + \beta_2 CFOit + \beta_3 LEVit + \beta_4 MktSizeit + \beta_5 ROAit + \beta_6 Sizeit + \epsilon it \quad (4)$$

۵-۵- آزمون فرضیه پنجم: الگو تحقیق برای آزمون فرضیه پنجم در رابطه ۵ به صورت زیر می‌باشد:

$$CRit = \alpha_0 + \beta_1 MgrAbilityit + \beta_2 CFOit + \beta_3 LEVit + \beta_4 MktSizeit + \beta_5 ROAit + \beta_6 Sizeit + \epsilon it \quad (5)$$



جدول ۱ محاسبه متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نام متغیر	نماد متغیر	نحوه محاسبه
وابسته	ریسک یکپارچه	ERisk	(۶) $ERisk_{it} = SR_{it} + OR_{it} + RR_{it} + CR_{it}$
	مدیریت ریسک استراتژیک	SR	(۷) $\beta_{it} = \frac{COV(R_i, R_m)}{\delta^2(R_m)}$ (۸) $SR_{it} = \frac{Sales - \mu_{sales}}{\delta_{sales}}$ Sales: فروش $R_i$ : بازده سالانه سهام شرکت $R_m$ : بازده سالانه بازار SR: مدیریت ریسک استراتژیک‌های فروش
	مدیریت ریسک عملیاتی	OR	(۹) $OR_{it} = \frac{Y - \mu_Y}{\delta_Y} (10) Y = \frac{Sales}{NE}$ Sales: فروش $TAt_1$ : جمع دارایی‌ها در ابتدای سال NE: تعداد کارکنان OR: مدیریت ریسک عملیاتی OR: ریسک به‌کارگیری منابع انسانی
	مدیریت ریسک گزارشگری مالی	RR	(۱۱) $M = AudOp + Restatement$ AudOp: هرگاه اظهارنظر حسابرس مشروط، مردود و عدم اظهارنظر باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر انتساب داده می‌شود. Restatement: هرگاه صورت‌های مالی تجدید ارائه شده باشد و این تجدید ارائه با اهمیت باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر انتساب داده می‌شود. در این پژوهش از نسبت تعدیلات سنواتی سال جاری به سودوزیان انباشته در ابتدای سال به عنوان آستانه اهمیت استفاده می‌شود. اگر نسبت مذکور از ۲٪ بیشتر باشد، تجدید ارائه با اهمیت تلقی می‌شود. $M =$ از مجموع اظهارنظر حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی بدست آمده است. (۱۲) $RR_{it} = \frac{M - \mu_m}{\delta_m}$
	مدیریت ریسک رعایت قوانین و مقررات	CR	(۱۳) $(ETR) = \frac{\text{مالیات ابرازی}}{\text{سود و زیان از قبل کسر مالیات}}$ (۱۴) $CR = \frac{ETR - \bar{ETR}}{\sigma_{ETR}}$ ETR = نرخ مؤثر مالیاتی $\bar{ETR}$ = میانگین نرخ مؤثر مالیاتی $\sigma_{ETR}$ = انحراف معیار نرخ مؤثر مالیاتی
کنترلی	اندازه شرکت	Size	برابر است با لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت

نوع متغیر	نام متغیر	نماد متغیر	نحوه محاسبه
	جریان نقد عملیاتی	CFO	نسبت جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به جمع دارایی‌ها در ابتدای سال
	اهرم مالی	LEV	نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها
	اندازه بازار	MktSize	لگاریتم طبیعی فروش کل صنعت
	بازده دارایی‌ها	ROA	نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها در ابتدای سال
مستقل	توانایی مدیریت	MgrAbility	<p>گام یک :</p> $(15) \text{Max } \Theta = \frac{u1 \text{Sales}_{it}}{V1 \text{CoGS}_{it} + V2 \text{SG\&A}_{it} + V3 \text{PPE}_{it-1} + V4 \text{Intan}_{it-1}}$ <p>مدل فوق به روش تحلیل پوششی داده‌ها، BCC خروجی محور <math>\text{Sales}_{it}</math>: فروش سال جاری</p> <p><math>\text{CoGS}_{it}</math>: بهای تمام‌شده کالای فروش رفته</p> <p><math>\text{SG\&amp;A}_{it}</math>: هزینه‌های عمومی، اداری و فروش</p> <p><math>\text{PPE}_{it}</math>: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال</p> <p><math>\text{Intan}_{it}</math>: خالص دارایی‌های نامشهود در ابتدای سال</p>
مستقل			<p>گام دو :</p> $(16) \text{FE}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{Size}_{it} + \beta_2 \text{MS}_{it} + \beta_3 \text{FCFI}_{it} + \beta_4 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$ <p><math>\text{Max } \Theta = \text{FE}_{it}</math>، ضریب کارایی از مدل فوق</p> <p><math>\text{MS}_{it}</math> = سهم فروش شرکت که برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت</p> <p><math>\text{FCFI}_{it}</math>: در صورتی که جریان نقد آزاد شرکت مثبت باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر صفر است که جریان نقد آزاد برابر است با جریان نقد عملیاتی پس از کسر وجه نقد پرداخت‌شده بابت مالیات و سود سهام پرداختی و هزینه مالی پرداختی</p> <p><math>\text{Age}_{it}</math>: عمر شرکت که برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت</p> <p><math>\varepsilon_{it}</math>: توانایی مدیریت</p>

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۶- روش‌شناسی پژوهش

در این نوع پژوهش از تحقیق توصیفی - همبستگی استفاده می‌شود. در این پژوهش چون هدف بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته است از این نوع پژوهش استفاده می‌شود. به کمک رگرسیون چند متغیره و ضریب تعیین  $R^2$  با استفاده از DEA، E-viwes 10 به آزمون فرضیات پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش غربالگری<sup>۱۷</sup> استفاده شد، در صورتی که هر عضو جامعه واجد یکی از شرایط نباشد از جامعه حذف و در نهایت باقیمانده جامعه، نمونه را تشکیل می‌دهد. این شرایط عبارتند از:

- (۱) پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفند باشد و طی دوره زمانی مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
  - (۲) به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
  - (۳) داده‌های مورد نظر برای آن‌ها در دسترس باشد.
  - (۴) شرکت‌های انتخاب شده جز بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی نباشند.
  - (۵) بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشند.
- بر اساس این شرایط، از بین شرکت‌های مربوط به جامعه آماری طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۵، تعداد ۷۸ شرکت از چند صنعت که واجد شرایط فوق بوده‌اند از میان صنایع مختلف به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

## ۷- آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش که با استفاده از داده‌های ۷۸ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ اندازه‌گیری شدند، شامل تعداد مشاهدات، میانگین، انحراف معیار، کمینه، بیشینه و ضریب چولگی که در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود آمارهای توصیفی شامل میانگین، بیشینه، کمینه، انحراف معیار و ضریب چولگی می‌باشد که معروف‌ترین و در عین حال پرمصرف‌ترین شاخص‌های آمار توصیفی‌اند. میانگین، متوسط داده‌ها را نشان می‌دهد. چولگی شاخص تقارن داده‌ها و نشان‌دهنده وضعیت آن‌ها نسبت به توزیع نرمال است. با توجه به مطالب فوق و با نگاهی به جدول ۲ می‌توان دریافت که میانگین عمده متغیرها فاصله چندانی باهم ندارند. با در نظر گرفتن انحراف معیار متغیرها مشخص می‌شود که توزیع متغیر مدیریت ریسک یکپارچه از پراکندگی بیشتری

نسبت به توزیع نرمال برخوردار است. با در نظر گرفتن ضریب چولگی متغیرها مشخص می‌شود که توزیع متغیرهای عمر شرکت و جریان نقد آزاد از چولگی به سمت چپ (چولگی منفی) برخوردار هستند؛ این بدان معنا است که توزیع این متغیرها کاملاً متقارن نبوده و در مقایسه با توزیع نرمال، حجم بیشتری از داده‌های مشاهده شده کمتر از مقدار میانگین آن‌ها است. برای سایر متغیرها چولگی به سمت راست (چولگی مثبت) بوده و عکس موارد ذکر شده دلالت می‌کند.

جدول ۲ آمار توصیفی

ضریب کشیدگی	ضریب چولگی	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانگین	مشاهدات	نماد متغیر
۲/۷۱۴	۰/۲۴۶	۳/۱۹۶	۸/۵۴۷-	۹/۱۹۵	۰/۸۲۲	۶۲۴	ERISK
۲/۵۳۸	۰/۶۷۰	۰/۹۳۶	۲/۲۰۴-	۲/۴۵۸	۰/۰۰۰	۶۲۴	SR
۲/۶۹۲	۰/۸۰۵	۰/۹۳۶	۲/۰۴۴-	۲/۴۷۰	۰/۰۰۰	۶۲۴	OR
۳/۴۷۸	۰/۰۷۸	۰/۸۱۲	۲/۴۷۵-	۲/۴۷۵	۰/۰۳۵	۶۲۴	RR
۴/۱۴۳	۱/۲۸۱	۰/۵۹۴	۰/۰۰۰	۲/۴۷۵	۰/۷۱۳	۶۲۴	CR
۲/۵۸۱	۰/۷۵۱-	۰/۴۳۴	۲/۳۰۳	۴/۱۴۳	۳/۴۸۹	۶۲۴	AGE
۶/۲۱۳	۱/۱۰۲	۰/۱۷۲	۰/۴۰۹-	۱/۱۴۸	۰/۱۴۱	۶۲۴	CFO
۱/۰۳۲	۰/۱۸۰-	۰/۹۴۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۵۴۵	۶۲۴	FCFI
۱/۶۶۷	۰/۱۷۲	۰/۲۷۵	۰/۰۸۲	۱/۰۰۰	۰/۶۰۷	۶۲۴	FE
۴/۱۳۵	۰/۴۸۴	۰/۲۲۶	۰/۰۸۹	۱/۶۶۱	۰/۶۲۷	۶۲۴	LEV
۴/۹۸۹	۰/۱۷۹	۰/۱۵۸	۰/۷۶۳-	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	۶۲۴	MGRABILITY
۲/۰۹۴	۰/۵۳۹	۱/۶۹۹	۲۷/۲۴۳	۳۳/۵۶۱	۳۰/۳۲۹	۶۲۴	MKTSIZE
۶/۴۴۰	۱/۸۲۷	۰/۱۵۷	۰/۰۰۰	۰/۸۰۷	۰/۱۲۸	۶۲۴	MS
۸/۹۹۸	۰/۸۰۴	۰/۰۲۱۳	۱/۱۰۴-	۱/۲۷۷	۰/۱۵۵	۶۲۴	ROA
۳/۹۱۸	۰/۸۵۲	۱/۴۲۹	۲۴/۳۲۰	۳۲/۲۷۰	۲۷/۴۴۹	۶۲۴	SIZE

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۸-آزمون فرضیات و نتایج آن

جدول ۳ نتایج آزمون فرضیات

نام متغیر	فرضیه اول		فرضیه دوم		فرضیه سوم	
	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب
ضریب ثابت	۰/۰۰۲	-۱۲۸/۸۸۱	۰/۰۰۱	۱/۰۲۹	۰/۰۰۲	۱/۰۹۶
MgrAbility	۰/۰۰۲	۲/۱۹۳	۰/۰۰۲	۰/۲۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۹۳

نام متغیر	فرضیه اول		فرضیه دوم		فرضیه سوم	
	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال
CFO	۰/۴۱۶	۰/۶۷۰	-۰/۰۲۵	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۱۹	۰/۱۴۱۰
LEV	-۱/۹۹۱	۰/۰۹۳	۰/۰۹۹	۱۱۸/۶	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۰۴
MktSize	۳/۰۷۵	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۹۲	۰/۰۰۰۲
ROA	۴/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۲۳۶	۰/۰۰۰۲	۰/۱۳۱	۰/۰۰۰
SIZE	۱/۳۴۸	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۷	-۶۶/۱۴	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۱
آماره	۴/۱۴۴	۸۲۹۳۲۶/۰۱	۲۴۸۲۶/۲۲			
ضریب تعیین	۰/۳۸۹	۰/۹۱۶	۰/۷۵۳۷			
دوربین واتسون	۱/۷۸۲	۲/۲۸۰	۲/۱۴۸۲			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۸-۱- نتایج آزمون فرضیات اول تا سوم:

با توجه به جدول ۳، عدم خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها از طریق ضریب آماره دوربین واتسون آزمون می‌گردد. ضریب این آماره برای فرضیات اول تا سوم به ترتیب (۱/۷۸۲، ۲/۲۸۰، ۲/۱۴۸۲) می‌باشد و حاکی است، خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها وجود ندارد. ضریب آماره اف فیشر برای فرضیات اول تا سوم به ترتیب (۴/۱۴۴، ۸۲۹۳۲۶/۰۱ و ۲۴۸۲۶/۲۲) نشان‌دهنده معناداری کل الگو می‌باشد. ضریب تعیین برای فرضیات اول تا سوم به ترتیب (۰/۳۸۹، ۰/۹۱۶، ۰/۷۵۳۷) و بیانگر آن است که تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنادار در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به ضریب توانایی مدیریت در فرضیات اول تا سوم (۲/۱۹۳، ۰/۲۰۷، ۰/۰۹۳) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۲، ۰/۰۰۰۲، ۰/۰۰۰۱) می‌توان گفت فرضیات اول تا سوم این پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود؛ و بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک یکپارچه و ریسک استراتژی و ریسک عملیاتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. فرضیه اول پانل<sup>۱۸</sup> و فرضیات دوم و سوم پول<sup>۱۹</sup> هستند.

#### ۸-۲- نتایج آزمون فرضیات چهارم و پنجم:

با توجه به جدول ۴، عدم خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها از طریق ضریب آماره دوربین واتسون آزمون می‌گردد. ضریب این آماره برای فرضیات چهارم و پنجم به ترتیب (۲/۰۴۲، ۲/۰۰۹۷) می‌باشد و حاکی است، خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها وجود ندارد. ضریب آماره اف فیشر برای فرضیات چهارم و پنجم به ترتیب (۲/۶۱۶۲، ۱۲/۷۷۳۹) و نشان‌دهنده معناداری

کل الگو می‌باشد. ضریب تعیین برای فرضیات چهارم و پنجم به ترتیب (۰/۱۶۸۷، ۰/۲۹۱۰) و بیانگر آن است که تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنادار در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به ضریب توانایی مدیریت در فرضیات چهارم و پنجم (۰/۲۱۲۲، ۰/۰۵۲۰-) و سطح معناداری آن (۰/۰۲۰۰، ۰/۴۲۷۴) می‌توان گفت فرضیات چهارم و پنجم این پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود؛ و بین توانایی مدیریت و ریسک گزارشگری و ریسک قوانین و مقررات رابطه مثبت معناداری وجود دارد. فرضیات چهارم و پنجم پانل هستند.

جدول ۴ نتایج آزمون فرضیات

نام متغیر	فرضیه چهارم		فرضیه پنجم	
	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال
ضریب ثابت	۰/۲۹۵۱	۰/۸۰۳۳	۱/۸۹۷۰	۰/۴۳۹
MgrAbility	۰/۲۱۲۲	۰/۰۲۰۰	-۰/۰۵۲۰	۰/۴۲۷۴
CFO	۰/۲۳۱۸	۰/۱۰۴۵	۰/۰۰۶۶	۰/۹۵۰۴
LEV	۰/۴۷۶۶	۰/۰۰۶۴	-۰/۴۹۴۵	۰/۰۰۰۳
MktSize	-۰/۰۴۳	۰/۵۱۹۴	-۰/۱۹۸۲	۰/۰۰۰۱
ROA	-۰/۱۳۰۹	۰/۲۴۱۲	۰/۶۹۰۳	۰/۴۶۲۸
SIZE	۰/۴۰۷۰	۰/۵۵۷۳	۰/۱۸۵۴	۰/۰۰۰۴
آماره F	۰/۶۱۶۲			۱۲/۷۷۳۹
ضریب تعیین	۰/۱۶۸۷			۰/۲۹۱۰
دوربین واتسون	۰/۰۴۲			۲/۰۰۹۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۹- بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: در فرضیه اول تحقیق به دنبال بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر مدیریت ریسک یکپارچه بود. می‌توان ادعا کرد که میان توانایی مدیریت و مدیریت ریسک یکپارچه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هر چه میزان توانایی مدیریت در شرکت‌ها بالاتر باشد توانایی مدیریت ریسک یکپارچه شرکت افزایش می‌یابد و مدیران شرکت‌ها توانایی شناسایی تهدیدات پیش رو شرکت‌ها و تبدیل آن‌ها را به فرصت‌های در راستای اهداف کلی شرکت فراهم می‌آورند. این نتایج مطابق انتظارات و مطالعات گوردون و همکاران (۲۰۰۹) فروغی و همکاران (۱۳۹۵) و چن و همکاران (۲۰۱۵)، می‌باشد.

فرضیه دوم: فرضیه دوم پژوهش به دنبال بررسی رابطه مثبت بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک استراتژی پرداخت. با توجه به نتایج این فرضیه، با افزایش توانایی‌های مدیریت، مدیریت ریسک استراتژی در واحد تجاری افزایش می‌یابد. هدف از اجرای ریسک استراتژی افزایش توان رقابتی واحد تجاری در مقایسه با رقبای شرکت می‌باشد. این مزیت رقابتی می‌تواند خطر ورشکستگی در شرکت را کاهش دهد؛ بنابراین با عنایت به نتایج فرضیه دوم، شرکت‌ها می‌توانند با افزایش توان مدیریتی از طریق آموزش در مدیران سطوح بالا واحد تجاری احتمال این خطر را تا حدود زیادی کاهش دهند. نتایج بدست آمده با نتایج آندرو و همکاران (۲۰۱۳) مطابق بوده است.

فرضیه سوم: فرضیه سوم وجود رابطه مثبت و معنادار بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک عملیاتی را مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه هدف از ریسک عملیاتی در شرکت‌ها افزایش کارایی و عملکرد می‌باشد با افزایش توانایی‌های مدیریت، شناسایی ریسک کارایی و عملکرد در شرکت افزایش یافته و مدیریت می‌تواند با بهره‌گیری از فنون مدیریت ریسک عملیاتی، به شناسایی تهدیدات پیش رو شرکت را افزایش دهد و کارایی و عملکرد شرکت را بهبود بخشد. نتایج بدست آمده مطابق انتظارات و همچنین مطابق با مطالعات گوردون و همکاران (2009)، فروغی و همکاران (۱۳۹۵) و چن و همکاران (۲۰۱۵)، می‌باشد.

فرضیه چهارم: در این فرضیه به بررسی رابطه مثبت و معنادار بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک گزارشگری پرداخت. هدف از اجرای ریسک گزارشگری تهیه اطلاعات درست و دقیق در سازمان می‌باشد که از طریق اجرای کنترل‌های داخلی اثربخش امکان‌پذیر است. افزایش در توانایی‌های مدیریت باعث ایجاد و طراحی کنترل‌های داخلی قوی و مؤثر در سازمان گشته و در نهایت ریسک گزارشگری سازمان را تا حدود زیادی کاهش داده و تهیه اطلاعات حسابداری دقیق و درستی را در سازمان مهیا می‌سازد.

فرضیه پنجم: فرضیه پنجم به بررسی رابطه مثبت و معنادار بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک رعایت قوانین و مقررات پرداخت. با افزایش فعالیت‌های شرکت با محیط بیرونی و تعاملات تجاری واحدهای تجاری باید مجموعه قوانین و مقررات را رعایت نمایند. این اهداف از طریق اجرای ریسک رعایت قوانین و مقررات صورت می‌گیرد. در محیط تجاری امروزی سازمان‌ها در معرض بسیاری از عملکردهای ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات قرار می‌گیرند، اجرای ریسک رعایت قوانین و مقررات به دنبال کاهش این خطرات می‌باشد. افزایش در توانایی مدیریت باعث شناسایی بهتر و طراحی روش‌های پیشگیرانه‌تر و اجرای آنها در سازمان‌ها می‌شود. نتایج این پژوهش با نتایج چن و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج فرضیات، شرکت‌ها همواره به دنبال افزایش توانایی مدیران خود می‌باشند تا بتوانند ریسک‌های پیش رو شرکت را سریعتر شناسایی و با توجه به راهکارهای موجود این تهدیدات را به فرصت‌ها تبدیل نمایند. در نظریه‌های سنتی ریسک یک تهدید درونی یا بیرونی برای شرکت محسوب می‌شود؛ اما با توجه به تغییر دیدگاه و رویکرد جدید مدیریت ریسک یکپارچه می‌توان این تهدیدات را به موقعیت‌های مطلوب تبدیل نمود. نتایج نشان می‌دهد که افزایش توانایی مدیریت منجر به افزایش مدیریت ریسک یکپارچه خواهد شد. ظرفیت مدیران در بکارگیری توانایی خود در عمل یک راه‌حل مناسب اداره مدیریت ریسک و اجزاء آن می‌باشد. بر این اساس با توجه به یافته فرضیه اول این پژوهش پیشنهاد می‌شود، در مدیران شرکت‌ها هنگام طراحی استراتژی‌های مورد نیاز شرکت در جهت کاهش ریسک‌های داخلی و پیرامونی شرکت، اثرات توانایی‌های مدیریتی را در سیاست‌های کلان شرکت لحاظ نمایند. هدف از اجرای ریسک استراتژیک در سازمان بهبود مزیت رقابتی در شرکت و کاهش احتمال ورشکستگی می‌باشد، با تأیید فرضیه دوم، وجود مدیران توانمند در تصمیم‌گیری‌های تسریع و به هنگام تا حدود زیادی موجب افزایش ظرفیت رقابتی و کاهش احتمال ورشکستگی در سازمان می‌گردد. فرضیه سوم نشان داد، با بکارگیری مدیران توانمند و استفاده از دیدگاه‌های آنها هنگام گزینش و استخدام کارکنان کاردان و مستعد، می‌توان نا حدود زیادی ریسک عملیاتی در شرکت را کاهش داد. یکی از عوامل تعیین‌کننده در گزارشگری مالی نظرات مدیران شرکت‌ها می‌باشد. رابطه مثبت و معنادار بین توانایی مدیریت و ریسک گزارشگری مالی در فرضیه سوم نشان داد، بکارگیری مدیران با توانایی بیشتر در تصمیم‌گیری‌های مالی و حسابداری احتمال ریسک گزارشگری در شرکت‌ها کاهش می‌یابد. هدف بسیاری از مدیران شرکت‌ها فعالیت در بازارهای بین‌المللی می‌باشد، حضور در این بازارها مستلزم رعایت قوانین و مقررات حاکم بر این جوامع می‌باشد. مدیران توانمند با تکیه بر دانش و هوش سازمانی خود در رفع مسائل و مشکلات پیش روی شرکت اقدام می‌نمایند و موجب کاهش ریسک عدم رعایت قوانین و مقررات در شرکت می‌شوند.



## فهرست منابع

- ۱) استیفانی، سوما، (۱۳۹۵)، "رابطه بین مدیریت دانش و هوش سازمانی"، پیام آینده نشریه بانک آینده ۶، صص ۳۱-۳۵.
- ۲) تاروردی، یدالله و زهرا دامچی جلودار، (۱۳۹۱)، "رابطه مدیریت ریسک و عملکرد شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵، صص ۴۳-۶۲.
- ۳) درگاهی، حسین، حجت رحمانی، زهرا بیگدلی، اسماعیل جوادی قلعه و نگار یوسف زاده، (۱۳۹۴)، "هوش مدیریت: یک مطالعه مروری نظام‌مند بر روی مدیران آزمایشگاه‌های بالینی"، فصلنامه آزمایشگاه و تشخیص، ۲۷، صص ۱۱-۲۴.
- ۴) سازمان بورس اوراق بهادار، (ترجمه ۱۳۸)، "چارچوب یکپارچه مدیریت ریسک (۱)"، سازمان بورس اوراق بهادار، صص ۸۴-۱.
- ۵) شمس مورکانی، غلامرضا، منصوره مشایخی و سعید سلیمانی، (۱۳۹۳)، "تبیین نقش هوش سازمانی در ارتقای عملکرد سازمانی: مطالعه موردی مدیران دبیرستان‌های شهر تهران"، فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۳۱، صص ۱۶۵-۱۸۹.
- ۶) رحیمیان، ن و زمانی فرد، ن، (۱۳۹۳)، "چارچوب‌های کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک در سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی"، ماهنامه حسابرسان داخلی، ۱(۳)، صص ۸-۲۰.
- ۷) رضایی، فرزین و اکرم فیروزعلیزاده، (۱۳۹۵)، "رابطه رقابت در بازار محصولات و صنعت و مدیریت ریسک یکپارچه با تصمیمات سرمایه‌گذاری کارا و ناکارا مدیران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی تاکستان.
- ۸) رضایی، فرزین و الهام نورمحمدی، (۱۳۹۵)، "رابطه توانایی مدیریت با مدیریت ریسک یکپارچه شرکت‌ها"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی تاکستان.
- ۹) سعادت جوی اوردکلو، م و رحیمی، ع، (۱۳۹۳)، "مدیریت ریسک و کاربرد آن در بازار سرمایه با استفاده از مدل ریسک سنجی ارزش در معرض خطر"، فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۹، صص ۵۹-۷۳.
- ۱۰) فرج زاده دهکردی، حسن و ناهید حیدری، (۱۳۹۶)، "بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۲۳)، صص ۲۲۱-۲۳۹.
- ۱۱) فروغی، داریوش، هادی امیری و امین ساکیانی، (۱۳۹۵)، "توانایی مدیریت، کارایی سرمایه و کیفیت گزارشگری مالی"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۲۱)، صص ۶۳-۸۹.

۱۲) ماژین، مریم لاله، حسن زلّقی، مرتضی بیات و علی سبحانی، (۱۳۹۶)، "تأثیر مالکیت دولتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۶)، صص ۱۵۱-۱۷۰.

۱۳) مرادی، مهدی و یگانه السادات افشارایمانی، (۱۳۹۶)، "رابطه بین هوش هیجانی، هوش معنوی و عملکرد حسابرسی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۵)، صص ۴۱-۶۴.

۱۴) مرادی، مهدی و مهدی امیدفر، (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه بین مالکیت و تصمیم به تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران"، دو فصلنامه اقتصاد پولی - مالی، ۲۳(۱۲)، صص ۶۴-۹۰.

۱۵) ملکیان، اسفندیار و بیتا نیکروان، (۱۳۹۴)، "بررسی تأثیر مالکان نهادی و دولتی بر دستمزد حسابرسی مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله‌ی پیشرفت-های حسابداری دانشگاه شیراز، ۷(۱)، ۱۶۸/۳، صص ۱۳۹-۱۶۶.

۱۶) مشایخی، بیتا و عابد عظیمی، (۱۳۹۵)، "بررسی توانایی مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۲)، صص ۲۵۳-۲۶۷.

- 1) Alvaro curevo Cazzura, Luciano Ciravegna, Mauricio Melgarejo, Luis Lopz. (2018), "Home Country Uncertainty and the Internationalization-Performance Relationship; Building and Uncertainty Manegemt Capability". [http:// Available online at www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- 2) Andreou, p., D. Ehrlich, and C. louca. (2013), "Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis", Working Paper. Online: Available at <http://www.mfsociety.org>.
- 3) Brooks, K. & Nafukho, F.M. (2006), "Human Resource Development, Social Capital, Emotional Intelligence: any Link to Productivity?", Journal of European Industrial Training, 30(2), PP. 117-128
- 4) Chen, Y., Podolski, Edward J., Madhu V., (2015), "Does Managerial Ability Facilitate Corporate Innovative Success?", Journal of Empirical Finance, Forthcoming. [http:// Available online at www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- 5) Demerjian, P., Lev, B. Lewis, M. and MacVay, S., (2013), "Managerial Ability and Earnings Quality", The Accounting Review, 88(2), PP. 463-498.
- 6) Demerjian, P., B. Lev, and S. MacVay. (2012), "Quantifying Managerial Ability: A New Measure and Validity Test", Management Science 58(7), PP. 1229-1248.
- 7) Hambrick, D., & P. Mason. (1948), "Upper Echelons: The Organization as a Reflection of its top Managers", The Academy of Management Review, 9, PP. 193-206.
- 8) Hannan, M., & J. Freeman. (1977), "The Population Ecology of Organizations", American Journal of Sociology, 82 (5), PP. 929-964.
- 9) Gordon, L., Loeb, M., and Tesng, C. (2009), "Enterprise Risk Management and Firm Performance: A Contingency Perspective", Journal of Accounting and Public Policy, 28(4), PP. 301-327.

- 10) Miia Martinsuo., Päivi Hoverfält. (2018), "Change Program Management: Toward a Capability for Managing Value-Oriented, Integrated Multi-Project Change in its Context". <http://Available online at www.sciencedirect.com>.
- 11) Mackey, A. (2008), "The Effect of CEOs on Firm Performance", *Strategic Management Journal* 29 (12), PP. 1357-1367.
- 12) RP.Jayani. Rajapathirana., Yan. Hui. (2018), "Relationship between Innovation Capability, Innovation Type and Firm Performance". <http:// Available online atwww.sciencedirect.com>.
- 13) Sajjad.m. jasimuddian.,M. Muzamil.Naqshbandi. (2018), "Knowldge-Oriented. Leadership and Open Innovation: Role of Knowledge Management Capability in Farnce- based Multinationals". <http:// Available online at www.sciencedirect.com>.
- 14) Yajun. Zhang., Shan. Lio., Jing. Tan., Guoyan. Jiang.,Qing. Zhu., (2018), "Effect of Risk on the Performance of Business Prosess outsorching Project: The Moderating Roles of Knowledge Management Capability". <http:// Available online at www.sciencedirect.com>.
- 15) Wasserman,N., Nohira, N., Anand, B. (2010), "When Does Leadership Matter? A Contingent Opportunities View of CEO Leadership: Handbook of Leadership Theory and Practice", Harvard Business Publishing, Cambridge, MA.

#### یادداشت‌ها

1 Hannan & Freeman

2 Wasserman & et.al

3 Hambrick & Mason

4 Mackey

5 Intelligence Quotient

6 Social or Managerial quotient

7 Emotional Quotient

8 Cultural Quotient

9 Brooks & Nafukho

10 Jensen & Meckling

11 Chen & et.al

12 Cazzura & et.al

13 Jasimuddian & Naqshbandi

14 Martinsuo & Hoverfält

15 Jayani and Hui

16 Zhang & et.al

17 Screening

18 Panel

19 Pool